

عوامل داخلی و خارجی در شکل‌گیری انقلاب رنگی گرجستان

معصومه شبان‌فاریابی^۱

یکی از موضوعات مطرح بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در مورد تحولات سیاسی اجتماعی برخی از کشورها است که در قالب انقلاب‌های "نرم" یا بدون خشونت شکل گرفته است. برخی از این انقلاب‌ها به طور مشخص با مداخله آمریکا صورت گرفته است. انقلاب موسوم به "رز" در گرجستان علت اصلی سقوط دولت شواردناده در پی انتخابات سال ۲۰۰۳ بود. نکته‌ای که حائز اهمیت است نقش مسائل داخلی گرجستان نظیر بحران حکومت داری و مشکلات اقتصادی به همراه جدایی طلبی قومیت‌ها که تمامی آنها ناشی از عدم طی فرایند دولت‌سازی در گرجستان است و چگونگی دخالت ایالات متحده و هدایت انقلاب رنگی در این کشور با استفاده از بحرانهای داخلی است. انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
این مقاله به بررسی نقش دو عامل ساختاری و کارگزاری در وقوع انقلاب رنگی در گرجستان می‌پردازد.

واژگان کلیدی: انقلاب، انقلاب رنگی، دولت - ملت سازی، آمریکا و گرجستان.

مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کشورهای زیادی مستقل شدند. لکن علی رغم استقلال ظاهری، دولت‌های این کشورها با بحران حکومت داری و عدم طی فرایند دولت ملت سازی به صورت طبیعی روبرو شدند. کشور گرجستان نیز در منطقه قفقاز جنوبی در حالیکه با بحران فرایند دولت - ملت سازی روبرو بود همزمان با دو موج حقوق بشر و دموکراسی سازی به عنوان فرایندهای غالب جهانی مواجه شد و انقلاب رنگی را به عنوان نمودی از اعمال دموکراسی سازی و حقوق بشر با سرمایه گذاری ایالات متحده تجربه نمود. از این رو می توان گفت شرایط ساختاری گرجستان و سرمایه گذاری خارجی آمریکا دو رکن اساسی در موفقیت انقلاب رنگی در این کشور بود. بر این اساس، برای تحلیل عوامل ساختاری(داخلی) و کارگزاری (خارجی) در انقلاب رنگی دو سؤال مطرح می شود:

۱- مشکلات دولت- ملت سازی گرجستان چگونه در شکل گیری و فعال شدن انقلاب رز خود را بروز داد؟

۲- آمریکا چگونه از این فرایند جهت ایجاد انقلاب رنگی بهره برداری نموده است؟

با عنایت به مقدمه فوق مقاله حاضر در یک تبیین نظری چگونگی شکل گیری انقلاب رنگی گرجستان را با توجه به نقش متغیر ساختاری (ارزیابی کارکرد امنیت، مشروعیت و رفاه) و متغیر کارگزاری (اقدامات و سرمایه گذاری آمریکا در حوزه‌های مختلف کشور گرجستان) مورد بررسی قرار می دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. تبیین مفهومی و نظری

انقلاب از لحاظ لغوی عبارت از برگشتن، برگشتن از حالی به حال دیگر، دگرگون شدن، آشوب و شورش است. (عمید ۱۳۷۳: ۲۱۰) از حیث مفهومی نیز انقلاب به گونه‌ای از کنش سیاسی جمعی و توده‌ای گفته می‌شود که در قالب منازعه ای خشونت آمیز برای قبضه قدرت دولتی در درون واحد سیاسی مستقلی شکل می گیرد. بنابراین، نزاع های انقلابی نیازمند سازماندهی، رهبری و ایدئولوژی برای بسیج است و همواره سطحی از خشونت را به همراه دارد. (بشیریه ۱۳۸۲: ۱۹۳)

آنچه که از تعریف انقلاب بر می‌آید این است که پدیده انقلاب عمدتاً تغییرات اساسی و ریشه‌ای در تمام ارکان جامعه است، به طوری که هیچ تشابهی بین رژیم قبلی و حکومت

جدید وجود نداشته باشد. این درحالی است که در انقلاب رنگی گروه‌های انقلابی خواهان تغییرات سریع و جابجایی نخبگان طبقه حاکم بوده اند. نوع مبارزه آنها نیز غیر خشونت آمیز و با بهره‌گیری از روش‌های اعتراضی متعادل و تدریجی در بستر جامعه مدنی با همراهی مردم و حمایت نیروهای خارجی به صورت مرحله به مرحله بوده است. ارکان تشکیل دهنده چنین انقلابی را جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌ها و مخالفین تشکیل می‌دهند. از این حیث انقلاب رنگی حد واسطی بین انقلاب و اصلاحات است و ترکیبی از ویژگی‌های اصلاح و انقلاب را در خود دارد که این هویت اصلاحی - انقلابی، آن را از سایر پدیده‌های اجتماعی شناخته شده نظیر انقلاب، اصلاحات، شورش و کودتا متمایز می‌کند. با توجه به خلا نظریه در زمینه انقلاب رنگی مروری بر نظریه‌های انقلاب نشان می‌دهد که نظریه توسعه وابسته بیش از دیگر نظریه‌ها توان تبیین انقلاب رنگی در گرجستان را دارد. با این حال، از آن جا که این نظریه نیز همه ابعاد این تحول اجتماعی را پوشش نمی‌دهد، از این رو دولت سازی، ملت سازی و دموکراسی سازی نیز عنوان می‌شود.

الف) نظریه وابستگی ساختاری (توسعه وابسته)

نظریه توسعه وابسته روشن می‌نماید که چگونه اقتصاد گروهی از کشورهای موسوم به جهان سوم تابع توسعه اقتصادی گروهی از کشورهای پیشرفته سرمایه داری است و چگونه این رابطه وابستگی به وجود آمده است. این نظریه تشریح می‌کند که این دو دسته از کشورها درحالی وارد روابط متقابل تجاری شده اند که در درون کشورهای گروه دوم (پیشرفته) انگیزه و توانائی توسعه و گسترش وجود دارد، ولی در کشورهای گروه اول (وابسته) چنین توانایی وجود ندارد. نظریه پردازان آمریکای جنوبی نظیر کاردوسو و فالتو بر جنبه‌های ساختاری وابستگی و نقش عوامل داخلی کشورهای وابسته در پیوند با قدرت‌های بزرگ تاکید دارند. از نظر آنها، وابستگی، حتی با وجود دولت مستقل ملی در کشورهای پیرامونی تداوم می یابد. (فورن، ۱۳۸۲: ۳۰۰)

نظریه پردازان نئومارکسیست نظیر امانوئل والر اشتاین و آندره گوندرفرانک نیز علاوه بر جنبه‌های ساختاری وابستگی نقش عامل خارجی را کلیدی می‌داند. این نظریه پردازان در یک رابطه مرکز - پیرامون عامل عقب ماندگی و توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم را در

ویژگی‌های دولت در جهان سوم و تسلط دولت‌های سرمایه داری بر آنها می‌دانند. به نظر فرانک دو عامل باعث شکل‌گیری فرایند توسعه نیافتگی در جوامع پیرامونی بوده است:

۱. منابع داخلی آنها که متفاوت بود؛

۲. تسلط متروپل بر این جوامع است. تحت این شرایط توسعه صنعتی پیرامون، تابع حاکمیت انحصاری کشور متروپل قرار می‌گیرد که در نتیجه آن رشد صنعتی کشور پیرامون محدود به صدور مواد خام و نیز صنایع مصرفی مورد نیاز کشور متروپل شده و در نهایت این کشور وابسته می‌شود. بر اساس این نظریه، گرجستان به لحاظ تخصصی شدن از اتحاد جماهیر شوروی سابق آسیب زیادی دیده است. صنعت گرجستان تا کنون در بخش‌های مختلف نظیر قطعات یدکی، تأمین سوخت و انرژی برق وابسته به روسیه است که از این وابستگی به عنوان اهرم فشاری بر گرجستان استفاده می‌شود. به غیر از بعد اقتصادی، فروپاشی دولت حامی (شوروی سابق) زمینه ساز بی ثباتی و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در بخش‌های مختلف جامعه گرجستان شد به طوری که حکومت قادر به اقدامات اصلاحی برای بهبود وضعیت نبوده است. در طول زمان نیز توسعه نیافتگی به همراه بحران‌های اجتماعی و هویتی حالت تحول و جنبش اجتماعی فراگیر را به خود گرفت و به این صورت شرایط برای براندازی رژیم مهیا شد.

ب) دولت سازی^۱ و ملت سازی^۲

در دولت سازی مشخصه اصلی یک کشور، وجود حکومت کارآمد با ارگان‌های قانون گذاری و اجرایی متمرکز است. در چنین شرایطی تعامل بین دولت و شهروندان از ارکان حیاتی دولت محسوب می‌شود. کارکرد دولت نیز بر اساس سه محور امنیت (نظم و قانون)، مشروعیت (نمایندگی و هویت سازی) و رفاه (توسعه) ارزیابی می‌شود. این عوامل به عملکرد حکومت مربوط می‌شود و نشان دهنده این است که اگر ساز و کارهای نهادی به خوبی عمل کنند شهروندان به کارآمدی حکومت اعتماد کرده در نتیجه مشروعیت دولت یا نظام سیاسی بالا می‌رود.

متقابلاً ملت‌سازی نیز ابزاری برای حل و فصل درگیری‌ها از طریق مقابله با ملی‌گرایی، قوم‌گرایی و نژادپرستی است. با ملت‌سازی اجتماعات مختلف و متنوع در یک کشور به صورت ملی در هم ادغام شده و دارای یک هویت واحد می‌گردند. ملت‌سازی یک برنامه نیست بلکه یک دوران دراز مدت است که در آن برابری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه انسانی اهمیت دارد. با این حال تجربه نشان می‌دهد ملت‌سازی در کمتر از هفت سال به ثمر نمی‌رسد. بر این اساس، بررسی نظام‌های سیاسی کشورهایی که در آنها انقلاب رنگی رخ داده نشان دهنده عدم طی فرایند دولت و ملت‌سازی آنها است. رژیم‌های سیاسی شبه اقتدارگرا با اقتصاد دولتی فاسد و شکاف‌های قومی، زبانی و مذهبی از موانع اساسی این کشورها در طی فرایند طبیعی و منطقی ملت‌سازی به حساب می‌آید. (Martina Huber, February, 2004)

ج) نظریه دموکراسی‌سازی

در فرایند دموکراسی‌سازی منظور دموکراسی به مفهوم حداکثری آن یعنی شیوه زندگی دموکراتیک در همه حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در گستره وسیع در کل اجتماع نیست، بلکه به معنای حداقلی آن نوعی از نظام سیاسی و شیوه‌ای از حکومت است که در آن اقتدار سیاسی از طریق رقابت و مشارکت در انتخابات به واسطه احزاب سیاسی از رأی و رضایت اکثریت مردم به عنوان مشروعیت سیاسی به دست می‌آید. (بشیریه ۱۳۸: ۱۲-۱۳) ضمن آنکه موج جدید گذار بر دموکراسی از رژیم‌های غیر دموکراتیک به نظام‌های دموکراتیک بر روی مفهوم حداقلی دموکراسی یعنی گسترش فرهنگ رقابت، کشمکش مسالمت‌آمیز و مشارکت در حوزه قدرت متمرکز است. (هانتیگتون ۲۵: ۱۳۷۳)

دموکراسی‌سازی آمریکا در گرجستان در قالب برداشت حداقلی از دموکراسی، بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، با هدف ایجاد دموکراسی، تأسیس جامعه‌ای با اصطلاح فرهیخته و توسعه فرصت‌های اقتصادی صورت گرفت. بر این اساس واشنگتن با راهکارهایی از قبیل انتخابات آزاد، رسانه‌های مستقل و جامعه مدنی الگوی تازه‌ای به غیر از نظامی‌گری را در مقابل رژیم‌های متعارض با آمریکا در پیش گرفت که به طور مختصر توضیح داده می‌شود.

طرح انتخابات آزاد

بر اساس این طرح حکومت‌هائی را که از طریق نظام نمی‌تواند آنها را ساقط کند، با اجرای طرح انتخابات آزاد و با هزینه کمتر به مقابله با آنها می‌پردازد. آمریکا با حمایت مادی و معنوی از مخالفین و توسعه مخالفت‌ها نیز ابزار فشار علیه کشور مورد نظر است.

طرح رسانه‌های مستقل

در این طرح ارتقاء رسانه‌ای روزنامه‌ها و کانال‌های تلویزیونی که در مالکیت یا کنترل دولت است مطرح می‌باشد. راه اندازی دیدارهای متقابل میان روزنامه نگاران، راه اندازی برنامه‌های آموزشی برای استقلال روزنامه نگاران و شبکه‌های تلویزیونی، ارائه بورس تحصیلی برای ادامه تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری، کوشش برای شفاف سازی و مبارزه با فساد از ابزارهای انتقاء رسانه است که آمریکا از آن بهره برداری می‌کند.

جامعه مدنی

از دید واشنگتن نیروی پیش برنده یک "اصلاحات واقعی" باید از داخل کشور ناشی شود. بهترین شیوه برای تشویق اصلاحات نیز از طریق سازمان‌های غیر دولتی صورت می‌گیرد، بنابراین توسعه سازمان‌های کارآمد حوزه جامعه مدنی در الویت قرار می‌گیرد. (جوادی فتح، شماره ۳۵، ربهرد ۶)

۲. چگونگی شکل‌گیری ناآرامی‌ها در گرجستان

همانطوری که اشاره شد، انقلاب رنگی ارتباط نزدیکی با انتخابات دارد. اولین حرکت در گرجستان مخالفت با تقلب انتخاباتی بود. مخالفین در پی تقلب گسترده انتخاباتی در انتخابات محلی سال ۲۰۰۲ ضرورت تدوین قانون جدید انتخابات و ایجاد کمیسیون مرکزی انتخابات را مطرح کردند. در سوم ژوئن ۲۰۰۳ نیز تظاهراتی توسط احزاب عمده مخالف در مقابل پارلمان مرکزی انتخابات برگزار شد. مخالفان در تظاهرات خود از بورجانادزه رئیس پارلمان که در پی یافتن اجماعی میان تمام نیروهای سیاسی بود حمایت کردند. در اوایل ماه جولای نیز جیمز بیکر وزیر خارجه اسبق ایالات متحده و دوست قدیمی شوارنادزه از تفلیس دیدار نمود و طرحی را برای برگزاری انتخابات آزاد ارائه کرد. بر اساس این طرح، کمیسیون مرکزی انتخابات از ۱۵ عضو تشکیل می‌گردد که ۵ عضو از طرفداران رئیس

جمهور، ۹ عضو از احزاب مخالف و یک رئیس که از سوی سازمان همکاری و امنیت اروپا معرفی شد.

سازمان همکاری و امنیت اروپا به خاطر فشارهای روسیه مبنی بر عدم دخالت در گرجستان از بر عهده گرفتن مسئولیت کامل مدیریت انتخابات طفره می رفت. در نتیجه، علی رغم تلاش های به عمل آمده در یک سال منتهی به انتخابات همچنان نگرانی هایی در زمینه امکان تقلب گسترده انتخاباتی توسط دولت شوراندازه وجود داشت. مبارزات انتخاباتی و روز انتخابات در ۲ نوامبر آمیخته با آشفتگی و درگیری بود. اشتباهات متعدد از نظر روند و شکل انتخابات فراوان به چشم می خورد، فهرست های انتخاباتی رأی دهندگان نیز نابسامانی های فراوان داشت و ابلاغ بخشنامه های متناقض، برگزار کنندگان انتخابات را با سردرگمی مواجه ساخته بود. موارد متعددی نظیر حمله به حوزه های رأی گیری و ضرب و شتم ناظران انتخاباتی نیز افشا شد. گزارش ناظران سازمان همکاری و امنیت اروپا حاکی از آن بود که انتخابات پارلمانی ۲ نوامبر در تحقق تعهدات دولت گرجستان نسبت به معیارهای سازمان همکاری و امنیت اروپا و سایر معیارهای بین المللی ناکام بوده است. موارد زیادی از تقلب نیز در این ارتباط مورد استناد قرار گرفت و نتیجه انتخابات مورد قبول احزاب شرکت کننده واقع نشد. (<http://www.civil.ge>)

مقاومت شوراندازه و اوج خواسته های مخالفین

با توجه به این وضعیت، رهبران مخالفان در عصر روز چهارم نوامبر تجمعی ۰۰۰ ۱۰ نفره را مقابل ایوان تالار شهر در تفلیس سازماندهی کردند. تجمعات مقابل پارلمان از سوی جنبش ملی و دموکرات های بورجانادزه برپا شد. در پی این رویداد زوراب ژوانیا شکل گیری (جبهه متحد مخالفان) را مرکب از جنبش ملی، دموکرات های بورجانادزه و حزب همبستگی اعلام نمود. در این میان شعار ساکاشویلی بیش از دیگران حاکمیت را با تهدید مواجه می ساخت. وی معتقد بود مادامی که حکومت پیروزی مخالفان را به رسمیت نشناسد باید به تجمعات و مخالفت ها ادامه داد. این بار تقاضای مخالفان تغییر کرد و از به رسمیت شناخته شدن پیروزی آنان توسط حکومت، به برگزاری دوباره انتخابات تبدیل شد. بالاخره، پس از شکست تلاش های حکومت برای مذاکره با مخالفان، شوراندازه تفلیس را به مقصد باتومی مرکز جمهوری خود مختار آجارا ترک کرد.

دو هفته پس از تجمعات اولیه مخالفان احتمال حصول به یک سازش بیش از پیش کم رنگ می‌شد. شواردنازه با نادیده گرفتن تقاضاهای مخالفان، برگزاری نخستین جلسه پارلمان را دو روز پس از اعلام نتایج نهایی انتخابات در ۲۰ نوامبر اعلام کرد. براساس این نتایج ائتلاف طرفدار گرجستان جدید ۲۸ کرسی، احیا ۳۳ کرسی، جنبش ملی ساکاشویلی ۳۲ کرسی، حزب کارگر ۲۰ کرسی، دموکرات‌های بورجانادزه ۱۵ و راستگرایان جدید ۱۲ کرسی از مجموع ۱۵۰ کرسی پارلمان را کسب کرده بودند. با اعلام این موضوع ساکاشویلی طرفداران خود را از سراسر کشور فراخواند و در ۲۲ نوامبر ده‌ها هزار نفر در میدان آزادی و در مقابل ساختمان شهرداری تفلیس تجمع کردند، این بارخواست‌ها آنها تنها یک چیز بود: استعفای شواردنازه.

جلسه افتتاحیه پارلمان که قرار بود در ۴ بعدازظهر با سخنرانی شواردنازه آغاز شود با یک ساعت تأخیر در ساعت ۵ آغاز شد. اما سخنرانی شواردنازه با یورش طرفداران ساکاشویلی به داخل صحن پارلمان ناتمام باقی ماند. میخائیل ساکاشویلی و همراهانش با در دست داشتن شاخه‌ای گل رز وارد مجلس شدند و با صدای بلند از شواردنازه خواستار استعفا و خروج وی از پارلمان شدند و پارلمان به تصرف کامل مخالفان در آمد. پس از این حادثه شواردنازه اعلام وضعیت فوق العاده نمود ولی با توجه به پیوستن نیروهای امنیتی و نیروهای وزارت کشور به تظاهرکنندگان، کنترل اوضاع از سوی شواردنازه ناممکن بود. خانم بورجانادزه رئیس سابق پارلمان با اعلام خروج شواردنازه از دفتر، خود را رئیس دولت گرجستان خواند. بدین ترتیب قدرت در گرجستان به شیوه‌ای مسالمت آمیز به مخالفان انتقال پیدا کرد، در این فرآیند سفیر ایالات متحده آمریکا و رئیس جمهور روسیه نقش بسزایی داشتند. ایگور ایوانوف وزیر خارجه روسیه بلافاصله در همان شب به تفلیس پرواز کرد و روز بعد یعنی در ۲۳ نوامبر وی در ملاقات‌های متعدد با ساکاشویلی و ژوانیا رهبران مخالفان و شواردنازه، رئیس جمهور گرجستان را راضی کرد تا استعفا دهد. (Devadariani November 29, 2003)

۳. بازیگران موثر در انقلاب رنگی گرجستان

گذشته از عوامل ساختاری که بستر مساعدی را برای انقلاب رنگی فراهم نمود بازیگرانی که به عنوان کارگزاران داخلی نیروی موثر انقلاب رنگی شدند عبارت بودند: از جامعه مدنی، جنبش دانشجویی کامارا، رسانه‌ها، مخالفین که بر محور انتخابات با حمایت

آمریکا براندازی رژیم را فراهم کردند. در این قسمت به اختصار نقش هر کدام تشریح می‌گردد.

الف) جامعه مدنی

بسیاری از ناظران نقش سازمان‌های غیر دولتی جامعه مدنی همچون موسسات وابسته به بنیاد جامعه باز جورج سوروس آمریکائی، موسسه غیردولتی وکلای جوان و موسسه آزادی را در ایجاد انگیزه، بسیج و سازماندهی نیروها در انقلاب رنگی گرجستان برجسته می‌دانند. برای نمونه موسسه غیر دولتی وکلای جوان گرجستان در مقابله با تقلب در نتایج انتخابات ۲۰۰۳ نقش مهمی داشت. این سازمان توانست بیش از سه هزار ناظر آموزش دیده را در سر تا سر گرجستان بسیج کند تا بعد از اعلام نتایج انتخابات به همراه کامارا و موسسه آزادی ده هزار اعلامیه در مخالفت با نتایج آراء رسمی دولت توزیع نمایند. هدف اصلی این موسسات غیر مشروع سازی رژیم شواردنادزه، ایجاد فضای انقلابی و در نهایت جلب حمایت مقامات اروپایی بود.

ب) کامارا^۱

جنبش دانشجویی کامارا نیز نقش مهمی در انقلاب رنگی گرجستان داشت. شکل‌گیری این جنبش به اوائل سال ۲۰۰۰ بر می‌گردد. در آن زمان تنها چهار درصد از فارغ التحصیلان دانشگاه‌های دولتی در بازار گرجستان شغل پیدا می‌کردند و دیگر دانشجویان گرجی پس از فارغ التحصیلی نمی‌توانستند شغل‌های کاربردی و تخصصی بدست آورند. ضمن آنکه تعداد بسیاری از متقاضیان شغل مجبور بودند برای استخدام رشوه بدهند. بنابراین گروهی از دانشجویان هم فکر یک جریان خود تنظیم را در دانشگاه تفلیس با هدف مقابله با فساد در آموزش عالی گرجستان ایجاد کردند. (Giorgi Kandelaki, 2005)

دومین گروه دانشجویی که کامارا را شکل داد. در زمانی تشکیل شد که شواردنادزه در اکتبر ۲۰۰۱ تلاش کرد تلویزیون "روستاووی ۲" را تعطیل نماید. این گروه خود را جنبش دانشجویی گرجستان نامید و با گروه بالا متحد شد و در مبارزه برای جلوگیری از بسته شدن "روستاووی ۲" موفق شدند. در اوائل ۲۰۰۳ به عنوان یک جنبش دانشجویی رسماً اعلام

وجود کردند. سازمان‌های غیر دولتی حقوق بشر گرجستان و نهاد آزادی نیز در ایجاد گروه کامارا نقش مهمی داشتند، آنها منابع تکنیکی و لجستیکی را برای فعالیت کامارا با حمایت دولت‌های غربی و هماهنگی با مخالفان سیاسی ایجاد کردند. موسسه وکلای جوان نیز خدمات حقوقی را برای فعالیت‌های کامارا در صورت دستگیری انجام می‌داد. این جنبش مانند گروه‌های انقلابی کلاسیک دارای سلسله مراتب و ایدئولوژی مشخص نبود و به صورت شبکه‌ای اداره می‌شد. این شکل از سازماندهی باعث می‌گردد با دستگیری افراد جنبش متوقف نشود. حتی بسیاری از فعالین کامارا همدیگر را نمی‌شناختند.

سازمان‌های غیردولتی به همراه فعالین جنبش کامارا و جنبش ملی آموزش زیادی دیده بودند تا وارد تکنیک‌های خشونت آمیز نشوند اگرچه خیلی از این افراد معتقد بودند که خونریزی اجتناب ناپذیر است. حرکت آنها می‌توانست تکرار خشونت‌ها و جنگ داخلی اوائل دهه ۹۰ را به دنبال بیاورد ولی گرجستان نسبت به آن سال‌ها تغییر زیادی کرده بود. شوارنادزه نیز یک جانشین شناخته شده نداشت و همین باعث از هم گسیختگی گروه‌های طرفدار وی شد. در ارتش هم زنجیره فرماندهی به صورت موثر و تحکیم شده وجود نداشت. مجموعه این فاکتورها نوعی مصالحه بین طرفین را بوجود آورد که بعد بسیار مهم انقلاب رنگی یعنی غیر خشونت آمیز بودن آن را فراهم کرد.

ج) رسانه‌ها

سرنگونی یک رژیم استبدادی مستلزم حداقل مقدار کمی آزادی مطبوعات است. در این زمینه این اجماع نظر وجود دارد که بدون رسانه‌ها هیچ انقلابی بوجود نخواهد آمد. (Nodia, June 2004:120) بر همین اساس رسانه‌ها در اطلاع رسانی عمومی و فراخواندن مردم در خیابان‌ها نقش مهمی را در انقلاب رز داشتند. (Behrendt, 5 October 2005) یکی از این رسانه‌ها شبکه تلویزیونی "روستاووی ۲" بود که در ۱۹۹۴ در شهر روستاووی در حوالی پایتخت گرجستان (تفلیس) تأسیس شد. این شبکه محلی با کمک‌های توسعه‌ای آمریکا و موسسه غیرانتفاعی اینترنیوز آمریکا به شبکه‌ای حرفه‌ای و مستقل تبدیل شد و در طی یکی و دو سال بعد از افتتاح به تفلیس راه باز کرد و در سراسر کشور صدها هزار گرجی به این شبکه چشم می‌دوختند. آنچه که باعث جذب مردم به این شبکه شده بود تفاوت آن با دیگر رسانه‌های گرجستان بود. شبکه "روستاووی ۲" با برنامه‌های متنوع و مختلف، اوضاع

سیاسی و اجتماعی در کشور را نقد می‌کرد و تنها کانالی بود که گزارش‌های بحث‌انگیزی در مورد توسعه سیاسی و اجتماعی، قیمت گوشت و سیب زمینی و ... پخش می‌کرد. این شبکه با میزگردهایی در زمینه فساد دولتی، قاچاق و... بی‌توجهی خود را به سانسورهای دولتی نشان می‌داد. متقابلاً رژیم شواردنادزه دو بار تلاش کرد آن را تعطیل کند ولی با حمایت‌های مالی غرب و اعتراضات مردمی این کار عملی نشد. شبکه "روستاووی ۲" یکی از ذی‌نفع‌ترین شبکه‌هایی بود که از حمایت‌های آموزشی و مالی آمریکا برخوردار بود. درحالیکه بسیاری از رسانه‌های گرجستان به دلیل وابستگی مالی که به حکومت داشتند آزادی کمتری در کار خود داشتند. مداخله و کنترل دولت مانع از فعالیت آنها و انتشار اطلاعات حقیقی به مردم می‌شد.

کمی قبل از انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۳، شبکه "روستاووی ۲" فعالیت‌های خود را در زمینه انتخابات آغاز کرد. این شبکه تلویزیونی در همکاری نزدیک با گروه‌های جامعه مدنی نظیر موسسه آزادی و جنبش دانشجویی کامارا به بخش مبارزاتی فعالی در بحران انتخاباتی نوامبر ۲۰۰۳ تبدیل شد. این شبکه با زیرنویس‌های مداوم ۲۴ ساعته در پخش برنامه‌های مختلف اخبار انتخابات را پوشش گسترده‌ای داده بود و تشویق‌کننده اصلی مردم در مخالفت‌ها و اعتراضات برضد حکومت شواردنادزه بود از جمله اقدامات این شبکه این بود که ده روز قبل از انتخابات با حمایت موسسه جامعه باز جرج سوروس فیلم مستند (پایین آوردن یک دیکتاتور) در مورد انقلاب صربستان را پخش کرد. این فیلم جزئیات عملکرد صرب‌ها را در انقلاب غیر خشونت‌آمیز برضد اسلو بدان میلوسویچ به تصویر می‌کشید تأثیر زیادی در انقلاب رنگی گرجستان داشت به طوری که مدیران این شبکه و رهبران مخالفین به آن اذعان می‌کنند. در این ارتباط دبیرکل حزب جنبش ملی گرجستان به واشنگتن پست چنین گفت ((همه تظاهر کنندگان تاکتیک‌های انقلاب بلگراد را می‌دانستند برای آن که آنها دیده بودند و رفتار آنها در واقع کپی از انقلاب یوگسلاوی بود. (Baker November 25: 2003)

در صربستان رادیو، در گرجستان تلویزیون و در اکراین اینترنت و کانال ۵ تلویزیون نقش مهمی را در انقلاب‌های رنگی ایفا کردند و هرکدام از این شبکه‌ها به قهرمان‌های انقلابی تبدیل شدند، مخصوصاً زمانی که جامعه بین‌المللی از آنها حمایت می‌کرد و تلاش‌های تردیدآمیز حکومت‌ها در توقیف و یا بستن این شبکه‌ها نیز باعث می‌شد منزلت آنها در بین مردم بالا رود.

د) مخالفین

وجود گروه مخالفین در درون دولت از جمله ضرورت‌هایی است که تکوین و توسعه انقلاب رنگی را میسر می‌سازد. وضعیت نخبگان به عنوان منبع حرکت در انقلاب رنگی نشان دهنده این است که انقلاب از بالا، شکل گرفته است. زمانی که نخبگان داخل بوروکراسی دولت باشند و از امتیازات دولتی و پست‌های مهم برخوردار باشند و با گروه‌های فعال جامعه مدنی در فرایند انقلاب همکاری کنند انقلاب مساومت آمیزاست. (۱۳:۱۱۶، گلدستون) هانتیگتون نیز پیدایش دموکراسی را نتیجه سازش و توافق بین نخبگان حاکم و نیروهای اجتماعی می‌داند. او در کتاب موج سوم گذار بر دموکراسی می‌گوید اصلاح طلبانی که در رژیم اقتدارگر قدرت دارند اگر رهبری حرکت را بر عهده می‌گیرند درخاتمه دادن به عمر رژیم اقتدارگرا و تبدیل آن به دموکراسی نقش قاطعی ایفا می‌کنند. (۱۳:۴۲، هانتیگتون) نخبگان اصلی حکومت شواردنازه که بعدها به رهبران انقلاب نوامبر مبدل شدند عبارتند از: نینوبورجانادزه، زوراب ژوانیا و ساکاشویلی

۴. ارزیابی اوضاع سیاسی و اجتماعی گرجستان در آستانه انقلاب رنگی

امنیت، مشروعیت و رفاه متغیرهای اساسی هستند که زمینه‌های داخلی وقوع انقلاب رنگی در گرجستان را فراهم کردند و در متزلزل ساختن رژیم سیاسی نقش ویژه‌ای داشتند.

الف) ضعف امنیت در دولت گرجستان

امنیت، کارکرد اولیه یک دولت در جهت حفظ سلامت فیزیکی شهروندان به لحاظ داخلی و خارجی است. هسته اصلی این کارکرد کنترل سرزمین از طریق قدرت انحصاری دولت است. از این حیث گرجستان حتی تا کنون موفق نشده است حاکمیت دولت مرکزی را در تمام سرزمین داخلی گسترش دهد. این کشور از بدو امر با کشمکش‌های داخلی روبرو بوده و در بین جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی سابق دارای بیشترین واحدهای خود مختار است. به طو کلی هیچ دولتی بعد از فروپاشی شوروی سابق، به اندازه گرجستان در ایجاد امنیت، حفظ تمامیت ارضی و کنترل سرزمین خود مشکل نداشته است. (Darrell slider, 1997: 169) امروزه در حدود ۱۵ درصد از سرزمین گرجستان در کنترل تفلیس نیست و گذشته از دو بخش جدایی طلب آبخازیا در شمال غربی و اوستیای جنوبی در شمال، بخش‌هایی در قسمت‌های

دور افتاده همچون گالی^۱ کودوری^۲، پانکیسی^۳، سوانتی^۴ (که ساکنان آن مورد شورش چین هستند) یا منطقه ای در جنوب که ساکنان آن عمدتاً اقلیت های ارمنی و آذری هستند از دولت مرکزی تبعیت نمی کنند. در مناطق جاواختی^۵ و کارتلی^۶ نیز شواهدی از تنش ها و اعتراضات دیده شده است. این مناطق ممنوعه، محلی امن برای تروریست های بین المللی و شورشیان چین است که شرایط را برای تحریک عملیات نظامی روسیه در خاک گرجستان فراهم کرده است.

به غیر از این موارد خشونت و خصوصی شدن ساختارهای امنیت ملی نیز هنوز مانعی در برابر توسعه گرجستان است. عوامل مسلح بین سال های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ به طور غیر قانونی در ساختارهای دولت گرجستان تسلط یافتند که وجه مشخصه آنها ایجاد بی نظمی در ساختارهای امنیت ملی است. از این رو فقط نیروهای جدایی طلب در آبخازیا و اوستیای جنوبی نیستند که با دولت مرکزی درگیر هستند بلکه شکل هایی از گروه های چریکی گرجستان مانند برادران جنگل^۷، لوژیون سفید^۸ و شکارچیان^۹ نیز به عنوان بازیگران مسلح محلی در حال جنگ در آبخازیا می باشند. وضعیت این مناطق تبعات اقتصادی سختی برای گرجستان داشته است. به گونه ای که این کشور به یکی از مناطق اصلی فساد و جرم بین المللی تبدیل شده است جایی که در آن دو منطقه جدایی طلب واقع شده به خاطر منازعات جدایی طلبانه باعث سوء استفاده فعالیت های شبکه های بین المللی خلافکار و قاچاقچیان شده است. تنها در سال ۲۰۰۳ کشور گرجستان از محل قاچاق کالا و ورود کالای اعلام نشده به این کشور ۲۰۰ میلیون دلار متضرر شده و در حدود ۳۰ میلیون دلار به واسطه قاچاق دخانیات از دست داد. (United Nations Report 2005:29)

1. Gali
2. Kodori
3. Pankissi
4. Svaneti
5. Javakheti
6. Kartli
7. Forset Brothers
8. White Legion
9. Hunters

ب) نا کارآمدی مشروعیت و اجرای قوانین در دولت شوراندازه

گرجستان از زمان استقلال با بحران‌های عمیق حکمرانی مواجه بوده است به طوری که فساد رایج در میان ساختارهای دولت بزرگترین مشکل ریشه دار آن است، این مشکل باعث از بین رفتن مشروعیت نهادهای سیاسی و بی اعتمادی شهروندان به سیاست‌های دولت بوده است. قوانین تصویب می‌شد اما فقط زمانی اجرا می‌گردد که ماهیت آنها با منافع اکثر مجریان فاسد منطبق باشد. (BTI, 2003: 5)

علت اساسی افزایش ناکارآمدی سیاسی در گرجستان ضعف مدیریت عمومی، فقدان برنامه تنظیم شده و کوتاهی در تصویب و اجرا قوانین بین مجلس و قوه مجریه بود. همچنین مجلس از اهرم کمی در اعمال قوانین برخوردار بود و در کنار اجرای غیر موثر قانون پرسنل کارآمد نیز به اندازه کافی وجود نداشت. (Following Schneckener, 2004:13) بر همین اساس طبق اطلاعات جمع آوری شده توسط برنامه توسعه سازمان ملل اعتماد شهروندان به نهادهای دولتی گرجستان در اواخر دهه ۹۰ کاهش یافته بود در حالی که در سال ۱۹۹۶ سطح اعتماد مردم به نهادهای دولتی به ۴۲ درصد رسید که از حد متوسط بالاتر بود این رقم در سال ۱۹۹۸ به ۲۵ درصد سقوط کرد. (Huber, 2004:50) براین اساس اکثریت مردم بدترین تصویرها در مورد وزارت کشور، پلیس و مجلس را داشتند و معتقد بودند که نهادهای دولتی موجود از کارآمدی کافی برخوردار نیستند. هرچند قانون اساسی ۱۹۹۵ حفاظت‌های مهمی را برای استقلال قوه قضائیه، در نظر گرفته بود ولی دادگاه‌ها در برابر فشارهای سیاسی قوه مجریه مقاومت نمی‌کردند و به ندرت با درخواست‌های قوه مجریه مخالفت می‌کردند. پیگردهای قضایی نیز اغلب در موارد حساس سیاسی نقض می‌شد. (house.orgwww.Freedom) مجریان دولتی نیز به طور غیر رسمی این حق را به خود می‌دادند که با ادعا فاسد بودن قوه قضائیه به آن فشار بیاورند و پرداخت رشوه به قضاتی که درآمد کافی نداشتند یک امر متداول در جامعه شده بود. (Nodia, 2005:6)

از این گذشته در حالیکه گرجستان کشوری چند ملیتی است ولی جمهوری‌های جدایی طلب هیچ گونه مشارکتی در زندگی سیاسی نمی‌کنند و ارتباط این ناحیه‌ها با مرکز خیلی محدود است و اقلیت‌های ارمنی و آذری که ۱۲ درصد از جمعیت آن را تشکیل می‌دهند. حضور سیاسی بسیار کم رنگی دارند و کاندیداتوری نمایندگان اقلیت‌ها اغلب تحریم شده است. ضمناً علی‌رغم تأسیس چندین حزب سیاسی جدید در دهه ۱۹۹۰،

احزاب در گرجستان ضعیف بوده و بیشتر بر شخصیت‌ها تمرکز دارند و نظام سیاسی فاقد فراگیری قانونمند و نمایندگی در کل سطوح اجتماع است. در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۵، فقط ۳ حزب از ۵۳ حزب سیاسی شرکت کننده موفق شدند ۳۹ درصد از آرا را بدست بیاورند و به مجلس راه پیدا کنند. بسیاری از نیروهای سیاسی مهم از ورود به پارلمان منع شدند. (BTI, 2005:1) با فقدان مخالفین پارلمانی مؤثر قدرت اجرایی رئیس جمهور در گرجستان به طور غیر معمول بالا رفت در واقع حکومت در شخص رئیس جمهور متمرکز شده بود که به دشواری در مقابل پارلمان پاسخگو بود. با وجود آیین نامه‌های رسمی کافی درباره اصول انتخابات دموکراتیک هیچ کدام از رأی گیری‌هایی که در دوره ریاست جمهوری شواردنادزه گذرانده شد از معیارهای بین المللی برخوردار نبود. گذشته از این در سال‌های پایانی حکومت شواردنادزه برای فعالیتهای سیاسی سازمانهای غیر دولتی و تعطیل کردن رسانه‌های مستقل بخشی از زندگی روزمره شده بود. (Nodia, 2005:3)

ج) مشکلات رفاهی در دولت گرجستان

توسعه اقتصادی - اجتماعی و کارکرد رفاهی دولت بوسیله شاخص‌هایی نظیر توزیع منابع قدرت اجتماعی، بحران‌های مالی و اقتصادی طولانی مدت، سطح مالیات‌ها و درآمدهای گمرکی، سطح و توزیع هزینه‌ها دولت، میزان بدهی‌های داخلی، نرخ بیکاری، شرایط زیربنایی، سیستم آموزشی، مراقبت سلامتی، برابری درآمدها و مصرف ارزیابی می‌شود. (Slider, 1997:190) با این وصف با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اوج گرفتن منازعات خشونت آمیز در گرجستان در اوائل دهه ۱۹۹۰، اقتصاد گرجستان شرایط رو به انحطاطی را تجربه کرد و بخش‌های اقتصادی گرجستان تقریباً در حال فروپاشی بود.

در این دوره از حیث توزیع منابع قدرت اجتماعی، در شاخص توزیع قدرت وَن هن^۱ گرجستان در رتبه ۷۸ از بین ۱۷۱ کشور قرار داشت. همچنین از نظر نابرابری اجتماعی بر مبنای شاخص جینی^۲ گرجستان با رتبه ۳۶/۹ در ردیف کشورهای مولداوی، لائوس، نپال و ویتنام قرار داشته است. (UNDP, 1999:18) در این دوره تورم گرجستان از بعضی جهات پایین آمد. لاری (واحد پول گرجستان) در سپتامبر ۱۹۹۵ با حمایت صندوق بین المللی

پول و بانک جهانی یک بهبود اقتصادی را برانگیخت و تورم تخفیف یافت. (UNDP, 2004:280) شاخص توسعه انسانی گرجستان نیز در سال ۲۰۰۵ در بین ۱۷۷ کشور در رده ۱۰۰ در سطحی بین ایران و آذربایجان بود. (www.who.int/2005) بر طبق شاخص‌های سازمان بهداشت جهانی سیستم مراقبت‌های بهداشتی گرجی‌ها از سطح کشورهای اروپای شرقی عقب‌تر نیست ولی از جمهوری‌های شوروی سابق نظیر قزاقستان، اوکراین و بلاروس پایین‌تر است. (UNDP, 2004:57) این آمار نشان می‌دهد که گرجستان شاخص‌های یک کشور در حال توسعه را دارد ولی به طور کلی سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در گرجستان پایین است و هنوز بیش از ۵۴ درصد از جمعیت زیر خط فقر هستند. بخش کشاورزی هم آسیب فراوانی دیده که در صورت سرمایه‌گذاری و توسعه بیش از ۵۰ درصد در آن مشغول به کار می‌شوند.

۵. نقش ایالات متحده در انقلاب رنگی گرجستان

گرجستان به خاطر موقعیت ژئوپلیتیکی خود مورد توجه بازیگران خارجی قرار گرفته است. در سطح استراتژیک نیز، مسئله حضور و نفوذ نظامی در منطقه و کنترل خطوط انتقال انرژی به عنوان مهمترین موضوعات محوری در رقابت آمریکا و روسیه در منطقه قفقاز جنوبی است. گرایش دولت مرکزی در گرجستان به سمت روابط با روسیه یا غرب موجب حساسیت هر کدام از طرفین می‌شود. بنابر این، آمریکا با توسعه روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با گرجستان و سرمایه‌گذاری در انقلاب رنگی این کشور از موقعیت این کشور و جهت‌گیری غربی نخبگان آن برای بسط نفوذ خود استفاده نمود. (Nodia, 24, September, 2002)

الف) نقش فرهنگی آمریکا در انقلاب رز

سرمایه‌گذاری سازمان آمریکایی کمک به توسعه، شبکه اینترنتی و بنیاد سوروس در سه بخش رسانه‌های گروهی، جامعه مدنی و مخالفان کشور گرجستان به طور همزمان و هماهنگ با هم مجموعه‌ای موثر در انقلاب رز شد. سرمایه‌گذاری آمریکا مربوط به زمان انقلاب نیست بلکه این فعالیت‌ها از ده سال پیش با تصویب کنگره ایالات متحده در حمایت از آزادی و دموکراسی در ۱۹۹۲ با توزیع میلیون‌ها دلار آمریکایی در سرزمین‌های شوروی سابق برای ارتقاء آزادی دموکراسی در مورد رسانه‌ها آغاز شد. (Whitehouse, December: 2005) گزارش سال ۲۰۰۴ وزارت امور خارجه آمریکا برنامه کمک‌های مالی توسعه‌ای برای اوراسیا را یک عنصر

کلیدی در سیاست آمریکا برای حمایت از دگرگونی سیاسی، اقتصادی دولت‌های شوروی سابق در جهت حرکت آنها در چارچوب دستورات عمل‌های دموکراسی و اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد معرفی می‌کند. بر اساس این گزارش این برنامه در دراز مدت به پیشرفت ثبات در منطقه و حفظ امنیت ملی آمریکا کمک می‌کند. (U.S Department of state, January 2004)

نقش فرهنگی آمریکا در انقلاب رنگی بر روی حمایت از آزادی رسانه‌های گرجستان متمرکز شده بود. (Ignatius, 26 January, 2005) یکی از عملکردهای آمریکا در این زمینه آموزش بود. که تأثیر بسیار زیادی در کیفیت شبکه "روستاووی ۲" داشت به طوری که بدون آن اخبار این شبکه محلی در سراسر گرجستان پخش نمی‌شد. (Behrendt, 21 October: 2005) موسسات برجسته‌ای برای تربیت نیروهای ژورنالیستی در تفلیس با حمایت سازمان آمریکایی کمک به توسعه راه اندازی شد. با این حال بسیاری از کارشناسان آمریکایی معتقدند که کمک‌های آمریکا فقط در ایجاد رژیم موثر طرفدار غرب موفق بوده است و اقتدارگرایی در گرجستان رابه خاطر تمرکز قدرت در ریاست جمهوری ازین نبرده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که بعد از انقلاب رز، رسانه‌ها مستقل کمتر انتقادی و تکثرگرا شدند و در موارد حساس سیاسی، شکنجه و خشونت ادامه دارد و در اثر رویکرد سخت گیرانه دولت جدید برضد فساد، آزادی‌های مدنی به خطر افتاده است. به عبارت دیگر علائم بازگشت به گذشته نشان از هدر دادن دلارهای آمریکایی و تکنیک‌های با کیفیت آموزشی دارد. (Freaney, 15 December: 2005)

جهت‌گیری رسانه‌های انقلابی در همراهی با رهبران و مخالفان به سمت آمریکا و قطع حمایت‌های بین‌المللی بعد از انقلاب رز و پیش گرفتن روش سخت گیرانه از جانب دولت ساکاشویلی در مورد رسانه‌ها این تردید را در افکار عمومی جهان بوجود آورد که انگیزه اهداکننده‌ها و آموزش دهنده‌های رسانه‌های غرب واقعاً برای ایجاد رسانه‌های مستقل و استقرار دموکراسی یا تبدیل موضع این کشورها به سمت منافع غرب برای بهره برداری بیشتر بوده است؟ روس‌ها معتقدند آنچه حامیان غربی جامعه مدنی و رسانه‌های آزاد به دنبال آن هستند دموکراسی نیست بلکه هرج و مرجی است که مداخلات دولت‌های غربی را در امور داخلی کشورها تقویت می‌کند لذا دو مای روسیه قانونی را تصویب کرد که تقویت کنترل دولت بر سازمانهای جامعه مدنی را به دنبال داشت. (Kahn, the New York Tims, September 25, 2005)

ب) نقش سیاسی آمریکا در انقلاب رز

روابط نزدیک مسکو و تفلیس در زمان شوراندازه واکنش سریع واشنگتن و دخالت مستقیم آن را در انقلاب رنگی در پی داشت به طوری که در کمتر از چند هفته، بوش رئیس جمهور آمریکا استیون مان، مشاور ارشد خود را با اخطار در مورد به خطر افتادن دالان انرژی شرق به غرب (خطوط لوله باکو - جیحان و باکو - ارز روم) به گرجستان فرستاد و پس از آن جیمز بیکر، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا که ظاهراً دوست قدیمی شوراندازه بود، به گرجستان رفت و نیاز به یک انتخابات پارلمانی آزاد و منصفانه را یادآور شد. همچنین، واشنگتن در آستانه انتخابات پارلمانی ۲۰۰۳ اعطای هر گونه کمک مالی بیشتر به گرجستان را به روند انتخابات منوط کرد و هر گونه خدشه و ابهامی را ضربه سنگین به وجهه و اعتبار بین المللی گرجستان معرفی نمود.

همچنین صندوق بین المللی پول که تا سال ۲۰۰۲، به خواست واشنگتن در اعطای وام و کمک مالی به گرجستان دست و دل بازی نشان می داد. از بهار ۲۰۰۳ هر گونه همکاری بیشتر را به (پیشرفت اصلاحات اقتصادی) در این کشور موکول کرد. اقدامات سفیر آمریکا در انتخابات ۲۰۰۳ گرجستان نیز که سازماندهی انقلاب و آماده سازی ساکاشویلی به منظور ایستادگی در مقابل شوراندازه زمینه ریاست جمهوری وی را فراهم کرد بر کسی پوشیده نیست. او در چهار انقلاب رنگی در کشورهای بلغارستان؛ یوگسلاوی سابق، آذربایجان و گرجستان نقش اصلی را داشت. (۱۳۸۴:۹۱، عسگری) واشنگتن با حمایت از نیروهای مخالف و شرکت دادن آنها در برنامه های تدارکاتی کمیسیون انتخابات مرکزی و فرستادن مشاوران و محققان آمریکایی با هزینه گزاف برای بررسی اوضاع جامعه و شناسایی درخواست های مردم و نقاط ضعف دولت و هزینه کردن بیش از ۲/۴ میلیون دلار برای انتخابات گرجستان و برکناری آرام شوراندازه نقش مهمی در قفقاز ایفا کرد. (۱۳۸۵:۱۰۴، کاظمی)

همکاری وزارت امور خارجه آمریکا و سفارت این کشور در تفلیس و موسسه جامعه باز با مخالفین و دانشجویان و اعطای کمک مالی و آموزشی به آنها زمینه حضور و دخالت بیشتر آمریکا را بعد از انقلاب مخملی در گرجستان تضمین کردند و روس ها را یک گام به عقب راند. در این ارتباط دولت جدید گرجستان بلافاصله پس از انقلاب رنگی موضوع خروج پایگاه های نظامی روسیه از گرجستان را مطرح کرد و اجازه استفاده نظامی ترکیه و ایالات متحده از پایگاه ها و فرودگاه های نظامی این کشور را صادر کرد و با مشارکت در برنامه های

مختلف ناتو و اعطا مصونیت حقوقی به کلیه افراد حقیقی و حقوقی آمریکایی که به نوعی با وزارت دفاع آمریکا در ارتباط می باشند شرایط حضور ایالات متحده در گرجستان را بیشتر کرد .

ج) نقش اقتصادی آمریکا در انقلاب رز

آمریکا بین سال‌های ۲۰۰۵ - ۱۹۹۲ مبلغ یک میلیارد دلار به کشورهای ارمنستان و گرجستان جهت تشویق آنها به دموکراسی سازی کمک کرد. علاوه بر کمک‌های دو جانبه آمریکا، سازمان‌های بین المللی از قبیل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نیز کمک‌هایی را برای توسعه این کشورها اختصاص داده اند. در ده سال قبل از انقلاب رز گرجستان آمریکا فقط ۱۴۵ میلیون دلار برای پروژه دموکراسی در گرجستان هزینه کرد. به طور کلی پس از تصویب قانون حمایت از دموکراسی در کنگره آمریکا در ۱۹۹۲، این کشور در شرق اروپا و جمهوری‌های شوروی سابق جمعاً ۳۵۰ میلیون دلار به خصوص در بخش رسانه ها هزینه کرده است. (Eileen and Hoffman, 16 DECEMBER: 2005) پس از انقلاب رز نیز کمک‌های گسترده آمریکا با هدف حمایت از برنامه‌های اصلاحات دموکراتیک سیاسی، اقتصادی و امنیتی آمریکا به گرجستان ادامه داشته است. تنها در سال ۲۰۰۴ آمریکا ۱/۴ میلیارد دلار به گرجستان کمک کرد. و در سپتامبر ۲۰۰۵ نیز با گرجستان توافقی را امضاء کرد و مبلغ ۲۹۵ میلیون دلار برای اصلاحات دموکراتیک ارائه داد. بخصوص بعد از انقلاب مخملی ۲۰۰۳، در ۲۰۰۵ معادل ۱۳۸/۹ میلیون دلار طبق جدول ذیل به گرجستان کمک شده است. (political Economic Rlations, 2007:28)

برنامه‌های دموکراسی	۹/۱۴ میلیون دلار
اصلاحات اقتصادی و اجتماعی	۴۴/۵ میلیون دلار
امنیت و اجرای قانون	۷/۷۱ میلیون دلار
کمک‌های بشر دوستانه	۹/۴ میلیون دلار
طبقه بندی اقدامات ناحیه ای	۹/۲ میلیون دلار

نتیجه گیری

تاکید اصلی این مقاله در تحلیل انقلاب رنگی بر روی علل وقوع آن بود. فرضیه اصلی این مقاله البته انقلاب رنگی را تحولی تک علتی نمی‌داند و درکنار عوامل خارجی به دنبال عللی است که در شرایط ساختاری جامعه گرجستان نهفته بود و زمینه دخالت دولت‌های خارجی را در جامعه گرجستان فراهم نمود. براین اساس بسترهای داخلی انقلاب رنگی گرجستان که حاکی از وابستگی این کشور به ساختارهای باقی‌مانده شوروی سابق و عدم طی روند دولت ملت‌سازی است در پارامترهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارزیابی شد. همچنین، بحران حکومتداری، بی‌قانونی فراگیر، عدم نظارت و کنترل تفلیس بر مرزهای ملی گرجستان، منازعات خشونت آمیز و بحران‌های اقتصادی را فراهم نمود که از مهم‌ترین عوامل داخلی فروپاشی دولت شوراندازه بود.

گرجستان نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی خود یکی از کشورهای اصلی در ترانزیت این منابع انرژی به اروپا محسوب می‌شود. بعلاوه این کشور بعد از یازدهم سپتامبر به عنوان مرکزی برای تروریست‌ها معرفی شد که از حیث استراتژیک و نظامی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای روسیه و آمریکا برخوردار است. در زمان انقلاب رنگی پیوند مستحکمی بین شعارهای نیروهای خارجی نظیر دموکراسی و حقوق بشر و خواسته‌های مخالفان وجود آمد. اینترنت ماهواره و دستگاه‌های ارتباطی و تبلیغاتی ارتباط بین مردم در داخل و خارج از کشور را فراهم کردند و رسانه‌های گرجستان فقط با حمایت آمریکا قادر به پخش اخبار بدون سانسور و تشویق مردم در مخالفت با حکومت بودند. با این حال، اکنون روشن شده است که شعارهای آمریکا در زمینه دموکراسی و حقوق بشر صرفاً با اغراض سیاسی خاصی مطرح می‌شد و انقلاب رنگی نیز در همان راستا ارزیابی می‌گردد.

منابع و مأخذ

۱. عمید، حسن (۱۳۷۳) فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، چاپ شانزدهم.
۲. بشیریه، حسین، (۱۳۸۲) "آموزش دانش سیاسی، مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی"، نگاه معاصر، چاپ سوم.
۳. جان فورن (۱۳۸۲) "نظریه پردازی انقلاب ها"، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۴) "گذر به دموکراسی"، (مباحث نظری)، تهران، نگاه معاصر.
۵. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳) "موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم"، ترجمه دکتر احمد شهسا، نشر روزنه، چاپ اول.
۶. جوادی فتح، سارا، "سوداهای ایالات متحده در طرح خاورمیانه بزرگ"، نشریه : راهبرد - ۳۵ .
۷. عسگری، حسن (۱۳۸۴) "نقش بازیگران خارجی در انقلاب های رنگی: مورد انقلاب رز گرجستان"، مجله آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۱.
۸. کاظمی، احمد (۱۳۸۴) "امنیت در قفقاز جنوبی"، تهران، انتشارات ابرار معاصر.

9. Martina Huber, "State Building in Georgia: Unfinished and at risk", Netherland Institute of International relation, Febraury 2004.

10. <http://www.civil.ge>.

11. J. Davandariani, "Russia'Gaurded Watch Fulness, civil Georgia", November 29, 2003.

12. Giorgi Kandelaki, "Georgia's Rose Revolution a Participant's Perspective", 2005/pdf.

13. Nodia , Chia . " The Par Liamentaray And Presidential Elections In Georgia", June 2004.

14. Behrendt , Marc . Telephone Interview . 5 October 2005.

15. Baker , Peter . Tbilisi's 'Revolution Of Roses' Mentored By Serbia Activists The Washington Post . November 25 , 2003.

16. see, Darrell slider, "Democratization in Georgia, in : Karen Dawisha and Bruce Parrott (eds.), Democratization and Authoritarianism in postcommunist societies", Cambridge ,1997.

17. <http://www.routledgestrategicstudies.com/books/organizedcrim-corruption> in Georgia Edited by: Louise Shelley, Erik R. Scott, Anthony Iatta.

18. "United Nations Development Program", Human Development Report 2005.

19. Following Schneckenner 2004.

20. Georgia's Rate of Inflation Ranged Above 13,000 Percent in the early 1990s, see UNDP 1999.

21. See UNDP, Human Development Report 2004-Cultural Liberty in Today's Diverse World, NEW YOURK (UNDP), 2004, <http://www.undp.org>.
22. (www.who.int/entity/whr/2005/whr2005-en.pdf (accessed 10/2005).
23. UNDP, Millennium Development Goals in Georgia, Tbilisi, 2004.
24. G.Nodia, Hearing :The Repablk of Georgia :Democracy, Human Rights and Scurity ,24Septamber 2002 .www.csce.gov
25. whitehouse, Mark. Email interview . 19 December 2005.
26. "U.S Government Assistance to and cooperative Activities with Eurasia", U.S Department of state . January 2004 <http://www.state>.
27. Ignatius, David , " Reality check for the Neo-wilsonians ", the Washington post . January 26, 2005.
28. Behrendt, Marc , Telephon interview . 21 October 2005.
29. Freaney, Margie. Email interview . December 15, 2005.
30. kahn, Joseph. china' leader, Ex-Rival at side, solidifies power ." the New York Times, September 25, 2005.
31. Oconnor, Eileen and David Hoffman, Internatinal Herald Tribune, Media in Iraq: the fallacy of psy-ops " 16 December 2005.
32. "political Economic Rrlations with USA", by George shengelia/2007.

